

Investigating the Evolution of Imamiyya Occult Studies with an Emphasis on the Theological Method of Sheikh Tusi

Mostafa Amiri  *

Ph.D. Student of Qur'an and Hadith, Maaref University, Qom, Iran

Heydar Ali Rostami 

Assistant Professor, Faculty of Principles of Religion. Qom. Iran

Abstract

Abu Jaafar Muhammad bin Hassan Tusi, nicknamed "Sheikh of Al-Taifa", a famous Shia jurist, commentator, commentator and theologian in the fifth century of the lunar calendar, as a representative of the Baghdad school with the establishment of the Najaf branch, is the author of precious works of Shia in various religious areas. In Kalam and Hadith, his book "Al-Ghaibah", which is the subject of this article, is one of the most important Shia Mahdavi sources. Al-Ghaibah of Sheikh Tusi, as a comprehensive intellectual and narrative discussion on the subject of occultation, due to the theological arrangement of this book, as well as the Sheikh's different method of choosing religious traditions in the use of enlightening narrations, has added to the value and credibility of this book, as well as the extra-religious perspective. Sheikh compiled the book of Al-Ghaibah with regard to the typology of theological thought in the fifth century and the answer to the doubts of the deviant sects of Mahdism that branched off in the era of the Imams, the methods of bearing the hadith, his unified method of proving the occult, all of which are a distinguished work of his book as a representative. The school of Baghdad has been exhibited and therefore deserves a modernist re-reading.

Keywords: Absence of Research Imamiya, Verbal Method, Sheikh Tusi

* Corresponding Author: mostafaamiri1361@gmail.com

How to Cite: Amiri, Mostafa; Rostami, Heydar Ali (2023). Investigating the Evolution of Imamiyya Occult Studies with an Emphasis on the Theological Method of Sheikh Tusi. *Biannual Journal of Research in Shi'a Comparative Theology*. 3 (5). 139-171.



سیر تحول غیبت پژوهی امامیه با تأکید بر روش کلامی شیخ طوسی

دانشجوی دکتری قرآن و حدیث دانشگاه معارف، قم، ایران
 استادیار دانشکده اصول دین، قم، ایران

مصطفی امیری *

حیدرعلی رستمی

چکیده

ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، ملقب به «شیخ الطائفه»، فقیه، محدث، مفسر و متکلم نامدار شیعه در قرن پنجم قمری، به عنوان نماینده مکتب بغداد با تاسیس حوزه نجف، مولف آثار گرانبهای شیعه در حوزه‌های مختلف دینی می‌باشد؛ در کلام و حدیث، کتاب «الغیبه» او - که موضوع این نوشتار است. در شمار مهم‌ترین منابع مهدوی شیعه قرار دارد. الغیبه شیخ طوسی، به مثابه جامع مباحث عقلی و نقلی در موضوع غیبت، به دلیل چینش کلامی این کتاب. و نیز روش متفاوت شیخ در گزینش روایات اعتقادی در استفاده از روایات علم‌آور بر ارزش و اعتبار این کتاب افزوده است. همچنین نگاه برون دینی شیخ در تدوین کتاب الغیبه با توجه به گونه‌شناسی اندیشه کلامی در قرن پنجم و پاسخ به شبهات فرقه‌های منحرف مهدویت انشعاب یافته در عصر امامان، طرق تحمل حدیث، روش تلفیقی وی در اثبات غیبت، همگی اثری ممتاز از کتاب وی را به عنوان نماینده مکتب بغداد به نمایش گذاشته و از این رو درخور شایسته بازخوانش نوگرایانه است.

کلیدواژه‌ها: مهدویت، شیعه امامیه، غیبت‌نگاری، روش کلامی، شیخ طوسی.

۱. مقدمه

مسئله مهدویت از آن رو که در سخنان پیامبر و سپس امامان شیعه به فراوانی مطرح شده و نیز از آن رو که فرجام تاریخ از دغدغه‌های جدی و همیشگی بشر بوده و هست و از قرون نخستین کانون توجه مسلمانان بوده و در دوره‌های مختلف تاریخ اسلام آثار فراوانی در این باب نگاشته شده است. آثار نگارش یافته در موضوع مهدویت، گاهی دارای عناوین صریح و مستقیمی چون المهدی، الغیبه صاحب الزمان بوده و گاهی هم ذیل عناوین ضمنی و مرتبط، مانند الفتن و الملاحم، الرجعه، اشراط الساعة، به مسئله مهدویت پرداخته‌اند. همچنین برخی نویسندگان در کتاب‌هایی مستقلاً به موضوع مهدویت پرداخته‌اند اما در کتاب‌های بسیار تنها بخشی از اثر به این موضوع اختصاص دارد.

نوشته‌های کهن، به‌ویژه منابع حدیثی شیعه امامیه، غنی از احادیث اهل بیت، به تبیین موضوع غیبت امام دوازدهم پرداخته‌اند. در این میان الغیبه شیخ طوسی. به عنوان کتاب نقلی عقلی، به شیوه‌ای متفاوت از دیگر آثار معتبر مهدوی پیش از خود، با نگاه برون دینی، به موضوع غیبت امام دوازدهم پرداخته است. اهمیت و ارزش الغیبه شیخ طوسی، از آن جهت است که شیخ طوسی، در کتب خود درباره تحقق یکی از وعده‌های انبیا الهی و ادیان آسمانی که بشارت به آینده روشن و ظهور منجی در آخر الزمان می‌باشد، سخن گفته است. در قرآن کریم نیز در آیات متعددی به این مهم اشاره شده است (سوره نور، آیه ۵۵. سوره انبیاء، آیه ۱۰۶. سوره قصص، آیه ۵).

۱-۱. ضرورت پژوهش

کتاب الغیبه، تألیف شیخ محمد بن حسن طوسی (۴۶۰ ق) از کتاب‌های مهم و مرجع در حوزه روایات و در موضوع مهدویت است. این کتاب در کنار دو اثر روایی دیگر در همین موضوع که پیش‌تر از آن تدوین شده‌اند؛ یعنی کتاب الغیبه محمد بن ابراهیم بن جعفر کاتب مشهور به نعمانی (۳۶۰ ق) و کتاب کمال‌الدین و تمام النعمه شیخ محمد بن علی بن حسین بن بابویه مشهور به شیخ صدوق (۳۸۱ ق) سه منبع خاص روایی مهم و برجسته درباره مهدویت را در شیعه به شمار می‌روند.

اما کتاب الغیبه شیخ طوسی را می‌توان از جهاتی با دو کتاب دیگر متفاوت دانست. درست است که این کتاب مانند آن دو کتاب، منبع روایات شیعه در مهدویت به شمار می‌رود. لیکن نگاه مؤلف آن به روایات. با نگاه مؤلفان آن دو کتاب به روایات، تفاوتی آشکار دارد و همین تفاوت سبب می‌شود تا کتاب الغیبه شیخ طوسی با یک نگاه و از یک زاویه، کتاب "کلامی" به حساب آید.

کلام شیعی که از عقاید شیعی دفاع می‌کند. از بطن حدیث شیعه بر می‌خیزد و حدیث از خاستگاه‌های مهم آن است. حدیث شیعه بر خلاف حدیث سایر مذاهب اسلامی از عمق و غنای بسیار و سرشاری برخوردار و لبریز از مباحث کلامی است. بنابراین، کلام و حدیث در مذهب شیعه به دو گونه با هم ارتباط می‌یابند: یکی این که حدیث می‌تواند از ابزارهای نقلی برای اثبات عقاید دینی به شمار آید و دیگر این که حدیث، خاستگاه بسیاری از مباحث کلامی و بازتاب دهنده دیدگاه‌های کلامی معصومان علیهم‌السلام است.

الغیبه شیخ طوسی، به مثابه جامع عقل و نقل در موضوع غیبت، به دلیل چینه کلامی این کتاب روش متفاوت شیخ در گزینش روایات اعتقادی و استفاده از روایات علم‌آور بر ارزش و اعتبار این کتاب افزوده است. همچنین نگاه برون دینی شیخ در تدوین کتاب الغیبه با توجه به گونه‌شناسی اندیشه شیعیان در قرن پنجم، همگی اثری ممتاز از کتاب وی را به نمایش گذاشته و از این رو، درخور شایسته بازخوانش نوگرایانه است. این نوشتار، عهده دار این موضوعات خواهد بود.

۱-۲. پیشینه پژوهش

هرچند تاکنون، مقالاتی در باب روش شناسی شیخ طوسی و نیز باز شناسی مصادر برخی کتب وی، تدوین شده‌است؛ لکن در این نوشتار، سعی شده‌است نگاه جامع‌تر و کامل‌تری با تأکید بر "آثار مهدوی" شیخ طوسی تنظیم و تدوین گردد. در این نوشتار، روش شناسی شیخ طوسی در استناد به احادیث غیبت، فضا و زمانه تالیف الغیبه، طرق تحمل حدیث در این کتاب، ویژگی‌های سند‌گرایی شیخ، مبنای منحصر به فرد شیخ طوسی در گزینش احادیث کتاب الغیبه که مشی متفاوتی از دو کتاب

فقهی خویش یعنی التهذیب و الاستبصار برگزیده است و نیز تفاوت الغیبه شیخ طوسی با دیگر کتاب معتبر مهدوی (الغیبه نعمانی و کمال الدنی صدوق)، به تفصیل بیان شده است.

۱-۳. روش پژوهش

این نوشتار، با روش کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی-تحلیلی، به تبیین نقش ممتاز الغیبه طوسی و روش‌شناسی وی در تراث امامیه می‌پردازد.

۲. پیشینه غیبت پژوهی در امامیه

غیبت صغرا، یکی از دشوارترین ادوار تاریخ شیعیان امامی به شمار می‌رود؛ عصری که به هر دلیل، پدیده غیبت حاصل و سبب شد بسیاری از شیعیان امامیه دچار تحیر و سرگشتگی شوند و گروه‌هایی نیز با نپذیرفتن امام غایب، راه خویش را جدا از دیگر هم‌کیشان خود پی گیرند؛ اما این همه ماجرا نبود. پیروان دیگر فرقه‌های شیعه-به‌ویژه زیدیه- با طرح پرسش‌های تردیدبرانگیز علیه دیدگاه امامیه. موجب پدید آمدن مشکلات فکری برای صالحان برجسته این مذهب می‌شدند و چه بسا مجموعه این چالش‌ها سبب شد غیبت صغرا به عنوان یکی از مراحل دشوار در تاریخ امامیه مطرح شود. به طوری که بسیاری از عالمان امامی از آن به عصر تحیر و سرگردانی یاد کرده‌اند (ر.ک؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۱) و همین انگاره‌های ناهمگون در آن دوره باعث شد اندیشمندان امامی نیز درصدد رفع چنین مشکلاتی برآیند. به هر تقدیر، غیبت‌نگاری امامیه در ابتدا به صورت نقل‌های محدود و غالباً به عنوان بخشی از مجامع روایی مطرح شده است؛ اما با ورود بحث‌های گوناگون و پرسش‌های جدید این حجم رو به افزایش نهاد و افزون بر گزاره‌های نقلی باورهای عقلی نیز بدان افزوده شد. بازخوانش این دسته از غیبت‌نگاری‌ها از عصر نوبختی تا شیخ طوسی ما را به این باور می‌رساند که چگونه با ضرورت‌های زمانه چنین تحولی در این دسته از غیبت‌نگاری‌ها صورت پذیرفت و چه مباحثی بر حجم این دسته از مطالعات افزوده شد.

در این بخش باید به آثاری که در غیبت‌نگاری توسط شیعیان نگاشته شده و امروزه از میان رفته اشاره کنیم. سپس به بررسی منابع موجود در این زمینه توجه نماییم. برخی از این آثار با نقل احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان شیعی علیهم السلام به غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف توجه داشته‌اند. در عین حال، این روایات. زمان شروع غیبت را مشخص نمی‌کند. ابهام موجود در احادیث مذکور، سبب شد تا دسته‌ای از شیعیان این گونه روایات را درباره امامان مختلف به کار برند. از این رو فرقه واقفه، امام موسی کاظم علیه السلام را امام غایب دانسته‌اند. در حالی که امامیه، امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف را امام غایب می‌دانند. فرقه واقفیه با افرادی همچون انماطی (ابراهیم بن صالح کوفی). به این گمانه‌ها دامن می‌زد. انماطی در این باره کتابی به عنوان الغیبه نگاشت که باورهای واقفیه را تقویت می‌کرد در عین حال، سایر علما مانند احمد بن علی بن نوح و شیخ طوسی، اطلاعات او را در حمایت از دیدگاه امامیه به کار برده‌اند. یکی دیگر از افراد این فرقه، طائی طاطاری (علی بن حسن) بود که در ضمن کتابی به نام الغیبه امام موسی کاظم علیه السلام را امام غایب نامید (ر.ک؛ نجاشی، ۱۴۱۸: ۲۵۴-۲۵۵). از زیدیه نیز عده‌ای در مخالفت با باورهای امامیه دست به تألیف بردند که می‌توان به این افراد اشاره کرد: ابوسعید عباد بن یعقوب رواجینی عصفری که فرقه زیدیه جارودیه را رهبری می‌کرد. وی کتابی از احادیث را گردآوری کرد و آن را کتاب ابوسعید عصفری نامید. اهمیت کتاب وی به این نکته است که نویسنده احادیثی درباره غیبت را دست کم ده سال پیش از رویداد آن ذکر می‌کند. وی به روایات دیگری نیز اشاره دارد که بر تعداد امامان و ختم آنان به امام دوازدهم توجه داده است و او را قائم می‌داند. اما اسامی امامان دوازده گانه را ذکر نمی‌کند (ر.ک؛ احمدی کچایی، ۱۳۹۳: ۶۷).

۲-۱. رویکرد نقلی

الف. رویکرد نقلی قرآنی: نیز با روایات آمیخته است از جمله آنها، کتاب تفسیر القمی و کتاب التفسیر عیاشی، مباحث مهدویت را ذیل برخی آیات به گونه روایات تفسیری، ذکر کرده‌اند.

ب. رویکرد نقلی روایی: کهن‌ترین رویکرد به مسئله مهدویت رویکرد نقلی است. گردآوری و تبویب احادیث، نخستین تلاش فکری برای پرداختن به این موضوع است. آنچه در مصادر اصلی حدیث شیعه در باب مهدویت گرد آمده با همین رویکرد است. این روش از آغاز نگارش درباره مهدویت تا دوره معاصر بیشترین طرف‌دار را داشته است. کتاب‌های تألیف شده در قرون نخستین و حتی قبل از تولد امام مهدی علیه‌السلام از این جمله‌اند که شمار آنها بیش از هشتاد عنوان است. دو کتاب الغیبه نعمانی و کمال‌الدین شیخ صدوق که در قرن چهارم تألیف شده و تا امروز در دسترس‌اند. کهن‌ترین آثار مستقل برجامانده در این زمینه به شمار می‌روند. دغدغه هر دو نویسنده تبیین اعتقادات شیعه در باره امام دوازدهم و دفع حیرت‌ها و شبهه‌ها بوده است (ر.ک؛ ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۱: ۵۳-۵۴).

۲-۲. رویکرد عقلی و استدلالی

دومین رویکردی که عالمان مسلمان در مواجهه با مهدویت در پیش گرفته‌اند. رویکرد نقلی-عقلی است. این رویکرد از قرن پنجم و از حوزه علمی بغداد آغاز شده است. نخستین پردازندگان آن متکلمان بغدادی چون شیخ مفید در الفصول العشره (ر.ک؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۳۰)، سید مرتضی در المقنع فی الغیبه (سید مرتضی، ۱۴۱۶: ۳۴-۳۵) و شیخ طوسی در الغیبه (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۲) بوده‌اند و البته این رویه در دوره‌های بعد نیز ادامه یافته است. در قرن هفتم خواجه نصیرالدین طوسی در کشف المراد (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۹: ۳۶۲) و در قرن یازدهم ملاصدرا شیرازی در شرح اصول الکافی (ر.ک؛ شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۵۰۲)، این روش را ادامه داده‌اند. در دوران معاصر نیز عالمانی چون شهید سید محمدباقر صدر در بحث حول المهدی (ر.ک؛ صدر، ۱۹۷۷: ۱۰۴-۱۰۸) در این راه گام نهاده‌اند. البته قواعد و اصول عقلی به کار گرفته شده در این زمینه در گذر زمان تطوراتی داشته است؛ در این راه گاه از عقل کلامی محض و گاه از عقل فلسفی محض بهره برده‌اند و گاهی هم فراتر از آن دو به دانش‌های تجربی بشری و تبیین‌های عقلانی نیز متوسل شده‌اند (ر.ک؛ ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۱: ۵۸-۵۹).

۳. سه کتاب مهم معتبر مهدویت

در این میان، کتاب الغیبه، تألیف شیخ محمد بن حسن طوسی (۴۶۰ ق) از کتاب‌های مهم و مرجع در حوزه روایات و در موضوع مهدویت است. این کتاب در کنار دو اثر روایی دیگر در همین موضوع که پیش‌تر از آن تدوین شده‌اند؛ یعنی کتاب الغیبه محمد بن ابراهیم بن جعفر کاتب مشهور به نعمانی (۳۶۰ ق) و کتاب کمال الدین و تمام النعمه شیخ محمد بن علی بن حسین بن بابویه مشهور به شیخ صدوق (۳۸۱ ق) سه منبع خاص روایی مهم و برجسته درباره مهدویت را در شیعه به شمار می‌روند.

۳-۱-۱. تفاوت کتاب الغیبه شیخ طوسی با دو کتاب نعمانی و شیخ صدوق

الغیبه شیخ طوسی برخلاف دو کتاب پیشین دارای صبغه کلامی می‌باشد. و در پرتو عقل، برخی باورهای مهدوی امامیه را واکاوی می‌کند. در این میان، الغیبه شیخ طوسی از سه ویژگی مهم و منحصر به فرد برخوردار است:

۳-۱-۱-۱. کتاب الغیبه شیخ طوسی، کلامی است

کتاب الغیبه از لحاظ ماهیت بحث، کلامی است. اما از لحاظ ابزار بحث، روایی است. توضیح اینکه: دلایل عقلی و نقلی، ابزارهای دانش کلام برای رسیدن به مقاصد خود است و حدیث از جمله دلایل نقلی است که در این راستا می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، روایت در کتاب الغیبه طوسی ابزار دلیل اما در کتاب الغیبه نعمانی و کمال الدین صدوق خود دلیل است.

برای تقریب به ذهن، آنچه در کتاب الغیبه شیخ طوسی وجود دارد. همانند چیزی است که در مورد تفاسیر روایی ثابت است؛ کتاب‌هایی که به لحاظ موضوع مورد بحث و ماهیت آن. تفسیری است. اما به لحاظ ابزار و مواد مورد استفاده، روایی به شمار می‌روند.

بنابراین، کلام و حدیث در مذهب شیعه به دو گونه با هم ارتباط می‌یابند: یکی، این که حدیث می‌تواند از ابزارهای نقلی برای اثبات عقاید دینی به شمار آید و دیگر، این که حدیث خاستگاه بسیاری از مباحث کلامی و بازتاب دهنده دیدگاه‌های کلامی معصومان علیهم‌السلام است.

۳-۱-۲. تألیف الغیبه شیخ طوسی با نگاه برون دینی

علاوه بر تفاوت یاد شده، این کتاب با توجه به ماهیت کلامی خاص خود از جهتی دیگر با دو کتاب یاد شده تفاوت معناداری پیدا می‌کند و آن این که مخاطبان کتاب الغیبه شیخ، علاوه بر شیعیان غیر آنان نیز می‌توانند باشند. بر خلاف دو کتاب دیگر که نگاه نویسندگان آن فقط به مخاطبان و جامعه شیعی بوده‌است. در حقیقت، شیخ طوسی با تنظیم کلامی گونه کتاب خود، نگاه برون دینی به موضوع مهدویت انداخته است.

۳-۱-۳. علم آور بودن، شرط پذیرش روایات مهدویت در الغیبه شیخ طوسی

در تفکر شیخ طوسی در بحث مهدویت که از بحث‌های خارج از حوزه عمل و احکام فرعی شرعی است. هر خبری نمی‌تواند مورد اعتماد و استناد قرار گیرد. به اجمال اینکه، خبر واحد منقول ثقه اگر در حوزه عمل و تکلیف (احادیث فقهی) قابل پذیرش است اما در نگاه شیخ طوسی، روایات اعتقادی و غیر فقهی (همچون احادیث مهدویت)، مثل احادیث فقهی نیست و باید خبر واحد. علم آور باشد تا در مباحث اعتقادی مهدویت، قابل اخذ و پذیرش شود. از اینرو، شیخ طوسی، کتاب الغیبه را بر اساس این مبنا، تدوین نموده‌است. تفصیل این موضوع در بحث‌های بعدی بیان خواهد شد.

۴. امتیازهای ویژه الغیبه شیخ طوسی

۴-۱. چینش روایات در متن کلامی

همان گونه که اشاره شد کتاب الغیبه شیخ طوسی از حیث ماهیت مباحث، کلامی است که در بیشتر مباحث خود، از روایات به عنوان ابزار استدلال بهره می‌برد. این امر به معنای چینش روایات در متن کلامی است و این امتیاز را دارد که عقل و نقل را در تأیید و راستای یکدیگر به کار می‌گیرد و استدلال را محکم‌تر، پذیرفتنی‌تر و بی‌خدشه می‌سازد. نمونه‌ای از این اقدام را می‌توان در ابتدای فصل دوم کتاب الغیبه مشاهده کرد؛ آنجا که شیخ طوسی برای اثبات ولادت امام مهدی ۷ علاوه بر عقل از

روایت نیز به عنوان ابزار استدلال استفاده می‌کند که از این گونه خاص از استدلال کلام شکل می‌گیرد (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۲۲۹).

۲-۴. نمایاندن گونه‌شناسی اندیشه شیعیان در مهدویت

تاریخ آرا و عقاید اسلامی - شیعی نشان می‌دهد که شیعیان از همان آغاز دوران حیات مذهبی خود، در موضوع مهدویت، اندیشه‌های مختلفی داشته‌اند و هر گروه به گونه‌ای متفاوت از دیگری به این موضوع اساسی باور پیدا کرده‌است. شیخ طوسی با پرداختن انتقادی به اندیشه‌های مختلف شیعی در مهدویت، در حقیقت نوعی از گونه‌شناسی اندیشه شیعیان در مهدویت را در کتاب الغیبه ارائه داده است که خود می‌تواند به عنوان بحثی تاریخی - کلامی مورد توجه و پژوهش قرار گیرد.

۳-۴. استفاده از روایات علم‌آور

مبنای متمایز شیخ طوسی - همان گونه که اشاره شد و به تفصیل در جای مناسب خود خواهد آمد - این است که روایات قابل اعتماد در موضوع مهدویت، علم‌آور باشند. مانند احادیث متواتر و روایات واحد همراه با قرینه علم‌آور، این مبنا موجب شده‌است تا ایشان هنگام ضرورت از روایاتی بهره‌برد که دارای ویژگی علم‌آوری هستند. حال آن‌که چنین ویژگی در کتاب‌های مشابه دیگر و منبع مهدویت وجود ندارد.

۴-۴. کثرت طرق روایی به روایات منقول

محدثان و راویان بزرگ برای نقل بسیاری از روایات، طرق و راه‌های روایی متعددی دارند. این امر با تحقیق در سند روایات و شرح حال آن محدثان و اجازاتی که بر اساس آن به ذکر بسیاری از طرق روایی پرداخته‌اند به آسانی قابل اثبات است. به لطف منابع رجالی و سندشناسی متعددی که از شیخ طوسی و درباره شیخ طوسی در دست داریم - همچون مشیخه تهذیب الاحکام، مشیخه الاستبصار، کتاب الفهرست و نیز اجازات روایی فراوانی که گزارش تفصیلی آن‌ها در کتاب الاجازات بحارالانوار علامه مجلسی و وسائل الشیعه شیخ حر عاملی وجود دارد - راه‌های متعدد روایی شیخ طوسی به روایات پیشینیان. قابل کشف و شناسایی است.

۵. بازخوانی الغیبه شیخ طوسی

۱-۵. نام اصلی کتاب

تردیدی نیست که یگانه اثر مستقل و موجود در عصر معاصر از شیخ طوسی در مهدویت، الغیبه است و در این باره اختلافی وجود ندارد. شیخ طوسی در فهرست مفصلی که از آثارش ارائه می‌دهد از همین نام استفاده می‌کند و با اشاره به خود می‌نویسد: «و برایش کتاب الغیبه» است (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۲۴۲).

۲-۵. زمان و مکان تألیف کتاب الغیبه شیخ طوسی

شیخ طوسی، کتاب الغیبه را در آخرین سال‌های اقامت در بغداد تألیف کرده است و این گمان که وی این کتاب مهدوی را در اوایل ورودش به بغداد و به درخواست شیخ مفید، تألیف نموده است.^۱ به دلیل قرائن و شواهدی^۲ از خود کتاب الغیبه. به یقین اشتباه است. و به روشنی نشان می‌دهد که شیخ طوسی تألیف کتاب الغیبه را در سال ۴۴۷ قمری. نوشته و به اتمام رسانده است.

۱. شیخ طوسی در ابتدای مقدمه خویش بر کتاب الغیبه از شیخ الفاضل یاد می‌کند که ایشان را ترغیب به تدوین کتابی در باب مهدویت نموده است. (طوسی، ۱۴۱۷: ۱) برخی به اشتباه پنداشته‌اند که این شیخ فاضل، استاد شیخ طوسی، شیخ مفید می‌باشد (ن.ک: طوسی، ۱۴۲۳: ۷). در حالیکه هیچ‌گاه شیخ طوسی از استاد خویش به این نام یاد نمی‌کند بلکه وی را ابو عبدالله معرفی می‌کند. ضمن اینکه همانطور که بیان خواهد شد، شیخ طوسی کتاب الغیبه را یقیناً بعد از سال ۴۳۰ قمری نوشته است در حالیکه شیخ مفید ۳۵ سال پیش از آن، از دنیا رفته است. محققان، مقصود از شیخ فاضل را پیشوای مذهبی منطقه شام، شاگرد شیخ طوسی، قاضی ابن براج نام برده‌اند که همواره شیخ طوسی از وی به الشیخ الفاضل و الجلیل یاد کرده است (سید جوادی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۰۹) و نماینده شیخ طوسی در منطقه شام بوده است (بروجردی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۲۴).

۲. شواهدی بر این امر استوار است که شیخ طوسی، کتاب الغیبه را در اواخر حضورش در بغداد، تألیف نموده است: الف. شیخ طوسی در بخشی از کتاب الغیبه و با اشاره به قبر عثمان بن سعید و مقبره قدیمی آن، می‌نویسد: کنا ندخل إلیه و نزره مشاهره و کذلک من وقت دخولی إلی بغداد و هی سنه ثمان و أربعمائه إلی سنه نيف و ثلاثین و أربعمائه؛ سپس شیخ طوسی می‌افزاید مقبره بازسازی شده و تا امروز یعنی سال ۴۴۷ قمری بر همین حالت باقی است: و هو إلی یومنا هذا و ذلک سنه سبع و أربعین و أربعمائه (طوسی، ۱۴۱۷: ۳۵۸)؛ این متن به روشنی نشان می‌دهد که شیخ طوسی تألیف کتاب الغیبه، را در سال ۴۴۷ قمری، نوشته و به اتمام رسانده است.

۳-۵. انگیزه تالیف کتاب الغیبه شیخ طوسی

از مقدمه کوتاه و یک صفحه‌ای شیخ طوسی بر کتاب الغیبه به دست می‌آید که تنها انگیزه او برای تألیف این کتاب. اجابت در خواست شیخ فاضل و بزرگواری بوده که از شیخ طوسی خواسته است تا درباره غیبت امام زمان علیه‌السلام کتابی را بنویسد.

شیخ طوسی در مقدمه کتاب. چنین می‌نویسد:

«أما بعد فإني مجيب إلى ما رسمه الشيخ الجليل أطال الله بقاءه من إملاء كلام في غيبة صاحب الزمان. و سبب غيبته والعلة التي لأجلها طالت غيبته و امتداد استتاره، مع شدة الحاجة إليه و انتشار الحيل و وقوع الهرج و المرج و كثرة الفساد في الأرض و ظهوره في البرّ و البحر و لم لم يظهر: و ما المانع منه و ما المحجوج إليه و الجواب عن كل ما يسأل في ذلك من شبه المخالفين و مطاعن المعاندين» (طوسی، ۱۴۱۷: ۱).

همانا من پاسخ می‌گویم به آنچه فرمان فرمود شیخ بزرگوار — خداوند پایداری‌اش را دراز فرماید - از ایراد سخن در غیبت صاحب زمان و سبب غیبت ایشان و دلیلی که به جهت آن غیبتش به درازا کشیده و پنهان زیستی‌اش امتداد یافته است — با آن که نیاز به آن حضرت شدت و نیرنگ‌ها گسترش یافته است. هرج و مرج واقع شده و فساد در زمین زیاد گردیده و در خشکی و دریا آشکار شده است - و این که چرا او ظاهر نمی‌شود. چه مانعی از آن و چه نیازی به آن وجود دارد و پاسخ از تمام آنچه در این باره از شبهه‌های مخالفان و طعنه‌های دشمنان وجود دارد.

گرچه از حاشیه برخی نسخه‌های خطی کتاب الغیبه و برخی پاورقی‌های مربوط استفاده می‌شود که بعضی معتقد بوده‌اند: شیخ بزرگواری که شیخ طوسی کتاب الغیبه را به درخواست او نوشته، شیخ مفید بوده است (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۲۳: ۷، طوسی، ۱۴۱۷: ۲ و نیز: جلالی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۶) ولیکن - همان‌گونه

ب. شیخ طوسی در جایی دیگر از کتاب الغیبه، در تقریر و توضیح شبهه‌ای از مخالفان در مورد طول عمر امام‌زمان علیه‌السلام می‌نویسد: ادعای شما در مورد طول عمر صاحب‌تان با باقی بودن ایشان - بنابر قول خودتان - بر کمال عقل و قدرت و جوانی، امری غیر عادی است، زیرا بنابر سخن شما در این وقت که سال ۴۴۷ است برای او ۱۹۱ سال است چرا که هنگام ولادتش بنابر قول خودتان سال ۲۵۶ است (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۱۲).

که پیش‌تر اشاره کردیم — چنین چیزی درست نیست. زیرا کتاب الغیبه در سال ۴۴۷ هجری قمری تدوین شده است. حال آن‌که شیخ مفید نزدیک ۳۵ سال پیش از آن از دنیا رفته است. در حالی که هیچ‌گاه شیخ طوسی از استاد خویش به فاضل یاد نمی‌کند (تعبیر الشیخ الفاضل وصف کردن هم‌تراز است هم‌تراز را نه شاگرد استاد را) بلکه شیخ استاد خویش را به الشیخ ابو عبدالله معرفی می‌کند (ر.ک؛ حسینی شیرازی، ۱۳۹۷: ۱۰۷). ضمن اینکه همانطور که بیان خواهد شد. شیخ طوسی کتاب الغیبه را یقیناً بعد از سال ۴۳۰ قمری نوشته است در حالیکه شیخ مفید ۳۵ سال پیش از آن از دنیا رفته است. محققان مقصود از شیخ فاضل را پیشوای مذهبی منطقه شام. شاگرد شیخ طوسی. قاضی ابن براج نام برده‌اند که همواره شیخ طوسی از وی به الشیخ الفاضل و الجلیل یاد کرده است (ر.ک؛ سید جوادی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۰۹) و نماینده شیخ طوسی در منطقه شام بوده است (ر.ک؛ بروجردی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۲۴).

بنابراین شاید بتوان گفت که انگیزه اصلی شیخ طوسی از تدوین کتاب الغیبه پاسخ‌گویی به خواسته پیشوای مذهبی منطقه شام بوده که در آن روزگاران منطقه وسیعی را شامل می‌شده است و پر واضح است که خواسته این پیشوای مذهبی، بازتاب نیاز مردم منطقه شام بوده است. اهل شام در مورد غیبت امام زمان علیه‌السلام، سبب آن طولانی شدنش و عدم ظهور امام علیه‌السلام پرسش‌های پاسخ‌داده نشده‌ای داشته‌اند که ابن براج از آن‌ها آگاهی یافته و بهترین پاسخ‌گویی آن را استاد خود. شیخ طوسی یافته است. از اینرو از او خواسته تا درباره این مسائل به تدوین کتابی دست یازد. اما اندکی تأمل در وضعیت حاکم بر سرزمین‌های دیگر اسلامی غیر از شام و به ویژه تأمل در موقعیت و وضعیت خود بغداد این حقیقت را روشن می‌کند که آنچه منطقه شام به آن نیازمند بوده است. بدون تردید مورد نیاز سایر مناطق شیعه نشین هم بوده است و همین امر می‌تواند تأکیدی بر اجابت در خواست ابن براج از سوی شیخ طوسی و بخش دیگری از انگیزه تألیف کتاب الغیبه قلمداد گردد.

۴-۵. فضاشناسی زمان و مکان تألیف

فضای زمان و مکانی که شیخ طوسی در آن به تألیف کتاب الغیبه اقدام کرده است. فضایی سرشار از ظلم و جنگ علیه شیعیان (ر.ک؛ ابن اثیر، ۱۳۸۶، ج ۹: ۳۰۴ و ۴۱۹ و ۵۶۱ و ۵۷۶ و ۶۳۷) و تهی از امنیت جانی و مالی برای شیعیان بوده است. شیخ طوسی در مقدمه کتابش با اشاره وضعیت روزگار خویش را چنین توصیف می‌کند: ... نیاز به آن حضرت شدت و نیرنگ‌ها گسترش یافته است. هرج و مرج واقع شده و فساد در زمین زیاد گردیده و در خشکی و دریا آشکار شده است (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۱). نیک پیداست که مشکلات موجود بغداد در دوران زعامت شیخ طوسی به طور طبیعی تا اندازه‌ای سبب توجه و توسل بیشتر شیعیان به منجی موعود از سوی و طرح و پیدایش پرسش‌های پاسخ داده نشده برای آنان از سوی دیگر می‌شده است؛ امری که می‌تواند است تا مرجع دینی و شخصیت مورد اعتماد و اعتنای ایشان به نحوی آن را مورد توجه قرار داده و درباره آن اقدامی عملی انجام دهد؛ همان کاری که شیخ طوسی با تألیف کتاب الغیبه انجام داد.

۵-۵. ارزش و اعتبار کتاب الغیبه شیخ طوسی تا زمان معاصر

کتاب‌های روایی کهن که زمانی طولانی را سپری کرده تا به دست ما رسیده‌اند. باید از جهت درستی استناد آن‌ها به مؤلفانشان و نیز از جهت مصون ماندن از تحریف و کم و زیاد شدن محتوایشان واجد ارزش و اعتبار لازم باشند. در غیر این صورت اعتماد بر آن‌ها نابه جا و مردود است. از این رو به طور معمول به منظور اعتبار بخشی به میراث مکتوب روایی کهن دست کم یکی از دو راه باید طی شود: الف) یا شهرت آن میراث از نظرگاه تدوین و تألیفشان تا زمان حاضر اثبات گردد. که در این صورت شهرت یاد شده، صحت استناد آن میراث به پدیدآورندگانشان را تضمین می‌نماید. چنان که احتمال وقوع تحریف و زیاده و نقصان در آن‌ها را زایل می‌کند؛ چراکه تحریف در کتاب‌ها و دستبرد و افزودن به آن‌ها با وجود شهرت. امکان پذیر نیست و قابل شناخت و کشف و علاج است. ب) و یا با سند متصل مورد اعتماد که تا زمان پدید آمدن میراث مکتوب امتداد می‌یابد. از به سلامت رسیدن آن میراث در گذر از تاریخ طولانی اطمینان حاصل شود. در این فرض و در صورتی که میراث

مکتوب تا زمان حاضر اشتهار نیافته باشد. ناچار به فراهم آوردن سند متصل قابل اعتماد از زمان حاضر تا تألیف اثر هستیم. اما در صورتی که میراث مکتوب پیش از رسیدن به عصر و نسل حاضر و متأخر از وقت تألیف آن اشتهار یافته باشد. اثبات سند متصل قابل اعتماد از گاه اشتهار متأخر تا هنگام تألیف اثر کافی است و وجود چنین سندی می‌تواند اطمینان خاطر عرفی و عقلایی در اعتماد بر آن اثر را در پی داشته باشد.

در مورد کتاب الغیبه شیخ طوسی، هر دو مورد فوق. وجود دارد؛ از سخنان شیخ حرّ عاملی و علامه مجلسی می‌توان استفاده کرد که این دو محدث و دانشمند بزرگ شیعه، کتاب الغیبه شیخ طوسی را از کتاب‌های مشهوری دانسته‌اند که شهرت آن‌ها، موجب قبول آن و بدون نیاز به سند متصل، بی‌اشکال می‌کند.

شیخ حرّ عاملی در فایده چهارم از فواید دوازده گانه مذکور در پایان و سائل الشیعه که به یاد آوری مصادر کتابش می‌پردازد، می‌نویسد:

«فی ذکر الکتب المعتمده التي نقلت منها أحاديث هذا الكتاب. و شهد بصحتها مؤلفوها و غیرهم و قامت القرائن علی ثبوتها و تواترت عن مؤلفیها أو علمت صحه نسبتها إلیهم بحیث لم یبق فیها شكّ و لا ریب (ر.ک؛ حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۳۰: ۱۵۳) ... (آن‌گاه در شمار نام این کتاب‌های مورد اعتماد، کتاب الغیبه شیخ طوسی را نیز ذکر می‌کند) و کتاب الغیبه للشیخ ...» (ر.ک؛ حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۳۰: ۱۵۹).

علامه محمد باقر مجلسی نیز در فصل اول از مقدمه‌اش بر بحارالانوار که در صدد معرفی منابع فراوان این کتاب ارزشمند است. چندین کتاب از شیخ طوسی را نام می‌برد که از جمله آن‌ها کتاب الغیبه است (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۷). وی آن‌گاه در فصل دوم از همان مقدمه که به بیان اعتماد بر کتاب‌های فهرست شده در فصل اول می‌پردازد. می‌نویسد: و کتاب‌های شیخ نیز از کتاب‌های مشهور است جز کتاب امالی که در اشتهار همچون سایر کتاب‌هایش نیست (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۲۷).

دو عبارت یاد شده از این دو محقق بزرگ. نشان آن است که آن دو. کتاب الغیبه شیخ طوسی را کتاب مشهور و قابل اعتمادی می‌دانسته‌اند و با این وصف. نیازی به اثبات صحت و درستی و قابل اعتماد بودن این کتاب از راه دوم نمی‌دیده‌اند.

اما با این تو صیغ. شیخ حرّ عاملی و علامه مجلسی در کتاب‌هایشان فقط به ادعای شهرت اکتفا نکرده و از راه اثبات اتصال سند معتبر به الغیبه، اعتبار آن را نیز از راه دوم، اثبات نموده‌اند.

شیخ حرّ عاملی در فایده پنجم به تفصیل به ذکر طرق روایی خود به تمامی کتاب‌های مورد استفاده در تدوین و سائل‌الشیعه که از جمله آن‌ها کتاب الغیبه شیخ طوسی است، می‌پردازد. وی ابتدا هفده طریق روایی از خود تا شهید ثانی را یادآور می‌شود که هشت طریق از آن‌ها، طرق روایی علامه مجلسی است که اجازه روایت‌گری روایات مربوط به آن طرق را در ملاقات با شیخ حرّ به وی می‌دهد و شیخ حرّ نیز به مجلسی، اجازه بهره‌مندی از طرق روایی خود را می‌دهد (ر.ک؛ حرّ عاملی، ۱۴۱۴، ج ۳۰: ۱۷۳).

شیخ حرّ پس از نقل طرق هفده‌گانه خویش تا شهید ثانی، اتصال خود به کتاب‌های مورد استفاده‌اش را با سه طریق از شهید ثانی تا شیخ طوسی کامل می‌کند و آن‌گاه با بهره‌مندی از طرق روایی فراوان شیخ طوسی که در درون خود، طرق روایی محدثان بزرگی همچون شیخ مفید و شیخ صدوق را نیز دارد. به تمام کتاب‌های نفیس و کهن روایی پیشینیان راه می‌یابد.

تردیدی نیست که اگر همه طریق‌های روایی مذکور از سوی شیخ حرّ، قابل اعتماد و صحیح نباشد. بسیاری از آن‌ها صحیح و قابل اعتماد است و با وجود چنین طریق‌های صحیحی، تمام کتاب‌های شیخ طوسی که از جمله آن‌ها کتاب الغیبه است، دارای طریق صحیح خواهد بود و از این لحاظ در ارزش و اعتبار این کتاب برای عصر و نسل ما، اشکال و ایرادی وجود نخواهد داشت و اگر اشکال و ایرادی باشد در سندهای مذکور در کتاب خواهد بود که بحث جداگانه‌ای دارد.

۶. محتوایشناسی الغیبه شیخ طوسی

شیخ طوسی، در مقدمه کتاب الغیبه آنچه را که می‌خواهد به اجمال در این کتاب یاد می‌کند؛ محورهای اصلی و عمده مورد بحث شیخ در کتاب الغیبه. عبارت است از: الف. بحث از غیبت؛ ب. سبب غیبت؛ ج. دلیل طولانی شدن غیبت؛ د. سبب باز دارنده از ظهور. مانع آن و دلیل نیاز به ظهور (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۱-۲). سپس در هشت فصل. به تفصیل این موضوعات را بیان می‌کند:

۶-۱. فصل اول: اثبات غیبت

۶-۱-۱. رد ادعای فرقه‌های منحرف مهدویت

شیخ در فصل اول کتاب الغیبه. به اثبات غیبت امام زمان می‌پردازد؛ و بعد از اثبات وجوب امامت و لزوم عصمت، گمان کسانی را که می‌پندارند امامی وجود ندارد و یا وجود دارد ولی معصوم نیست، باطل می‌سازد. سپس به ابطال سخن کسانی می‌پردازد که امامت و عصمت را در افراد دیگری جز فرزند امام حسن عسکری علیه‌السلام جمع می‌دانند. آنگاه آنان را در چند دسته. توضیح می‌دهد:

الف. کسانی‌ها؛ قائلان به امامت و غیبت محمد بن حنفیه فرزند امام علی علیه‌السلام؛
ب. ناووسی‌ها؛ قائلان به امامت و زنده و غایب بودن امام جعفر صادق علیه‌السلام و این که آن حضرت مهدی موعود است؛

ج. واقفی‌ها؛ توقف کنندگان بر امامت امام کاظم علیه‌السلام و مهدی موعود پنداشتن آن حضرت؛

د. محمدی‌ها؛ قائلان به امامت محمد فرزند امام هادی علیه‌السلام؛

ه. فطحی‌ها؛ قائلان به امامت عبدالله. فرزند امام صادق علیه‌السلام.

شیخ در اثبات انحصار امامت در فرزند امام حسن عسکری. علاوه بر ابطال سخن افراد یاد شده. اثبات سه امر دیگر برای به نتیجه رسیدن دو راه مذکور در اثبات غیبت امام زمان علیه‌السلام لازم می‌داند:

الف) اثبات وجوب ریاست و امامت؛

ب) اثبات وجوب عصمت رئیس و امام؛

ج) این که سخن حق و نیز امام و پیشوای شایسته از آنچه امت اسلام می‌گوید، بیرون نیست.

تمام آنچه شیخ طوسی در فصل اول کتاب الغیبه می‌گوید بر همین چهار محور دور می‌زند؛ سه محوری که با عنوان الف. ب و ج به آن اشاره کردیم. به همراه ابطال سخن آنان که امامت و عصمت را در افراد دیگری جز فرزند امام حسن عسکری علیه‌السلام جمع می‌دانند.

شیخ طوسی آن‌گاه چنین می‌نویسد: فإذا ثبت بطلان هذه الأقاويل كلها لم يبق إلا القول بإمامه ابن الحسن و إلا لأدى إلى خروج الحق عن الأمة و ذلك باطل (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۸۵).

بنابراین، نادرستی این گفته‌ها — همگی — ثابت شد. جز سخن از امامت فرزند [امام] حسن [عسکری] علیه‌السلام باقی نمی‌ماند و گرنه به خروج [سخن] حق از امت خواهد انجامید و این نیز نادرست است.

۶-۱-۲. فلسفه غیبت

شیخ طوسی پس از اثبات امامت فرزند امام عسکری علیه‌السلام و اشاره به غیبت آن حضرت به بحث درباره فلسفه غیبت می‌پردازد: و إذا ثبتت إمامته بهذه السیاقه ثم وجدناه غائبا عن الأبصار علمنا أنه لم یغب مع عصمته و تعین فرض الإمامة فیه و علیه إلا لسبب سوغه ذلك و ضرورة ألجأته إلیه و إن لم یعلم علی وجه التفصیل.

آن‌گاه که امامتش به این گونه ثابت گردید و او را پنهان از دیده‌ها یافتیم. می‌دانیم که او با وجود عصمتش و تعین وجوب امامت در او و بر او پنهان نگردیده است، مگر به سببی که پنهان زیستی را تجویز می‌کرده است و مگر به ضرورتی که آن حضرت را به پنهان زیستی مجبور کرده است. چه آن سبب و ضرورت به صورت تفصیلی دانسته نشود.

شیخ طوسی در بخش دیگر سخنش درباره غیبت امام زمان علیه‌السلام به بحث درباره استتار امام از دوستان خود می‌پردازد و سه علت را برای آن بر می‌شمارد که به اعتقاد او دلیل اصلی این امر خود دوستان امام هستند (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۹۹).

۶-۱-۳. ولادت امام زمان

شیخ در این بخش، می‌گوید: «در آنچه گذشت یاد کردیم که پنهان بودن ولادت صاحب زمان علیه‌السلام خلاف عادت‌ها نبوده است؛ چرا که نمونه‌های آن در گذشته‌ها از اخبار پادشاهان وجود دارد...» وی آن‌گاه به عنوان مثال به داستان ولادت کیخسرو، ابراهیم علیه‌السلام و موسی علیه‌السلام اشاره می‌کند و می‌نویسد: «و مثل این‌ها داستان صاحب زمان علیه‌السلام است بدون تفاوتی، پس چگونه گفته می‌شود این ولادت خارج از عادت‌هاست» (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۰۵-۱۰۶).

۶-۱-۴. معمران

از مسائل مرتبط با بحث غیبت، بحث طول عمر امام زمان علیه السلام است. شیخ طوسی معتقد است: طول عمر امام زمان علیه السلام خلاف عادت نیست و عمرهای طولانی همچون عمر آن حضرت و بیشتر از آن در زمان‌های قبل سابقه داشته است. وی به عنوان نمونه به طول عمر خضر، اصحاب کهف، نوح علیه السلام، لقمان و دیگران اشاره می‌کند و در پایان به این نتیجه می‌رسد که طولانی بودن عمر، ممکن و غیر محال است و طول عمر امام زمان علیه السلام امری خلاف عرف و عادت نیست (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۱۱۲-۱۲۶).

۶-۱-۵. دلیل نقلی بر امامت حضرت مهدی

پس از دلیل‌های عقلی و کلامی که شیخ طوسی در ابتدای کتاب الغیبه بر امامت و غیبت امام زمان علیه السلام اقامه نمود. آنگاه چند دلیل نقلی نیز بر امامت امام زمان علیه السلام و درستی غیبت آن حضرت از سوی شیخ طوسی ذکر می‌شود از جمله: روایت‌های منقول از شیعه و سنی مبنی بر این که امامان و پیشوایان مردم پس از پیامبر صلی الله علیه و آله دوازده نفر هستند؛ نه بیشتر و نه کمتر: «إذا ثبت ذلك فكل من قال بذلك قطع على الأئمة الاثني عشر الذين نذهب إلى إمامتهم و على وجود ابن الحسن ع و صحته غيبته لأن من خالفهم في شيء من ذلك لا يقصر الإمامة على هذا العدد بل يجوز الزيادة عليها و إذا ثبت بالأخبار التي نذكرها هذا العدد المخصوص ثبت ما أردناه» (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۲۷).

و هنگامی که این روایات ثابت گردید پس هر کس قائل به امامان دوازده گانه باشد بر امامان دوازده گانه‌ای که ما امامتشان را باور داریم و نیز بر وجود فرزند امام حسن عسکری علیه السلام و درستی غیبت او یقین خواهد کرد. زیرا آنان که در این مورد با شیعه مخالفت می‌کنند. امامت را در این تعداد محدود نمی‌کنند. بلکه زیاده‌تر از آن را تجویز می‌نمایند و آنگاه که با روایاتی که ذکرشان می‌کنیم این عدد خاص ثابت باشد. آنچه را که ما اراده کرده‌ایم ثابت خواهد بود. وی در ادامه به نقل روایات سنی و شیعه (احادیث اثنا عشر) می‌پردازد که پیشوایان دینی مردم پس از پیامبر صلی الله علیه و آله را دوازده تن معرفی می‌کند.

به دنبال این، شیخ دو اشکال مهم را که بر دلیل یاد شده وارد است نقل و به جواب آن‌ها می‌پردازد: اشکال اول: موضوع مورد بحث. موضوعی علمی است و نه عملی و خبرهای واحد در این بحث‌ها مورد اعتماد قرار نمی‌گیرد.

اشکال دوم: روایات دوازده خلیفه و امام از لحاظ مضمون و محتوا دلالت بر دوازده امام شیعیان ندارد.

پاسخ اشکال اول: روایات دوازده خلیفه، اخبار واحد نیست، بلکه متواتر است علاوه بر آن، نقل این روایات از سوی شیعه و سنی که دارای اعتقادات مختلف و متباینی هستند و عدم خدشه بر نقل آن‌ها از سوی آنان. بر درستی آنچه ایشان به نقلش مبادرت ورزیده‌اند، دلالت دارد.

پاسخ اشکال دوم: وقتی با روایات دوازده خلیفه ثابت شده که پیشوایان در دوازده امام منحصر هستند و از آن کمتر و بیشتر نیستند. به دنبال آن اعتقاد شیعه هم به اثبات می‌رسد زیرا در صورت اعتبار عدد خاص نمی‌توان به بیش از آن معتقد شد و روشن است که این عدد بدون هیچ زیاده و نقصانی تنها بر باور شیعه منطبق است (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۵۶-۱۵۷).

۲-۶. فصل دوم: ولادت امام عصر

این فصل از کتاب الغیبه شیخ طوسی به بحث درباره ولادت امام زمان علیه‌السلام اختصاص دارد. شیخ در ابتدای این فصل یاد آور می‌شود که سخن درباره ولادت امام زمان علیه‌السلام و درستی آن به دو گونه امکان پذیر است: اعتباری و روایی.

مقصود از اعتباری این است که وقتی امامت حضرت مهدی علیه‌السلام با دلیل‌های متعدد و گوناگون به اثبات رسید. درستی ولادتش نیز به اثبات خواهد رسید. حتی اگر هیچ روایتی در مورد آن وارد نشده باشد و نیز دلیل‌هایی که بر دوازده تن بودن امامان علیهم‌السلام دلالت دارد بر صحت ولادت امام زمان علیه‌السلام هم دلالت دارد زیرا عدد جز برای موجود به کار نمی‌رود و نیز آنچه از دو غیبت داشتن امام زمان علیه‌السلام گفت و گو می‌کرد بر ولادت آن حضرت هم تأکید می‌کند. زیرا دو غیبت داشتن بر درستی و وقوع ولادت دلالت دارد (طوسی، ۱۴۱۷: ۲۲۹). و مقصود از روایی روایات فراوانی

است که بر ولادت آن امام علیه‌السلام دلالت صریح دارد که شیخ طوسی به نقل برخی از آن‌ها می‌پردازد (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۲۳۰-۲۵۱).

۳-۶. فصل سوم: ملاقات با امام عصر

این فصل به گزارش اخباری اختصاص دارد که در بردارنده نام و داستان کسانی است که امام زمان علیه‌السلام را دیده‌اند در حالی که آن حضرت را نمی‌شناخته‌اند و یا پس از دیدار شناخته‌اند. این روایات به گفته شیخ طوسی بیش از آن اندازه است که به شماره آید. جز این که شیخ فقط به گزارش برخی از آن‌ها می‌پردازد که بالغ بر شانزده دیدار کوتاه و بلند است (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۲۵۳-۲۸۰).

۴-۶. فصل چهارم: معجزات و توقیعات امام عصر

این فصل به ذکر معجزات امام زمان علیه‌السلام اختصاص دارد که به گفته شیخ طوسی بر صحت امامت آن حضرت در زمان غیبت دلالت می‌کند. علاوه بر ذکر معجزات توقیعات صادر شده از سوی امام زمان علیه‌السلام نیز در همین فصل جمع‌آوری و گزارش گردیده است. این توقیعات بالغ بر ۲۹ توقیع کوتاه و بلند می‌شود که به تصریح شیخ، تنها بخشی از توقیعات فراوان آن حضرت است (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۲۸۱-۳۲۶).

۵-۶. فصل پنجم: علت پنهان زیستی حضرت

این فصل درباره سببی است که مانع ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام شده است. به عقیده شیخ طوسی علت اصلی پنهان زیستی امام عصر، بیمناکی آن حضرت از کشته شدن خویش است، زیرا اگر غیر از این بود، پنهان زیستی بر آن گرامی روا نمی‌شد و حضرت به تحمل مشقت‌ها و آزار و اذیت‌ها اقدام می‌نمود؛ چرا که جایگاه امامان و هم‌چنین پیامبران - صلوات الله علیهم - از آن جهت برجسته و بالاست که مشقت‌های بزرگ را در راه خدای تعالی تحمل می‌کنند.

اما پرسش مهمی که در این جا مطرح است و شیخ به آن پاسخ می دهد این است که چرا خداوند از کشته شدن حضرت مهدی علیه السلام از طریق ایجاد مانع میان آن حضرت و کسانی که می خواهند ایشان را بکشند، جلوگیری نمی کند؟ پاسخ شیخ این است که:

فإن قيل هلا منع الله من قتله بما يحول بينه وبين من يريد قتله، قلنا المنع الذي لا ينافي التكليف هو النهي عن خلافه والأمر بوجوب اتباعه و نصرته و التزام الانقياد له و كل ذلك فعله تعالى و أما الحيلولة بينهم و بينه فإنه ينافي التكليف و ينقض الغرض [به] لأن الغرض بالتكليف استحقاق الثواب و الحيلولة ينافي ذلك و ربما كان في الحيلولة و المنع من قتله بالقهر مفسدة للخلق فلا يحسن من الله فعلها (ر.ك؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۳۲۹).

جلوگیری که با تکلیف ناسازگاری نداشته باشد. عبارت از نهی از مخالفت با امام و امر به وجوب پیروی از او و یآوری وی و پای بندی به اطاعت از ایشان است و تمام این ها را خدای تعالی انجام داده است و اما حایل شدن میان اراده کنندگان قتل امام و امام علیه السلام با تکلیف ناسازگار است و به واسطه آن، غرض از تکلیف نقض می شود؛ زیرا غرض از تکلیف استحقاق ثواب است و حایل شدن با آن سازگار نیست و چه بسا در حایل شدن و جلوگیری قهرآمیز از کشته شدن امام علیه السلام برای مردم مفسده باشد. بنابراین، انجامش از خداوند ناپسند است. دو پرسش مهم در این جا مطرح است: الف. آیا پدران حضرت مهدی علیه السلام پیدا نبودند؟ در حالی که نه می ترسیدند و نه به گونه ای بودند که دست هیچ کس به آن ها نرسد.

شیخ طوسی چنین پاسخ می دهد که: وضعیت پدران حضرت مهدی علیه السلام با وضعیت آن حضرت تفاوت دارد. زیرا آنچه از وضعیت پدران حضرت برای حکمرانان وقت و غیر آن ها معلوم بود. این بود که آن امامان در پی خروج بر علیه حاکمیت نیستند و حاکمان هم باور نداشتند که امامان با شمشیر قیام می کنند و دولتشان را از بین می برند. در حالی که عکس این وضعیت در مورد امام زمان علیه السلام صادق است. علاوه بر این. پدران حضرت مهدی علیه السلام از آن جهت پیدا بودند که معلوم بود اگر پیشامدی برای آنان رخ دهد. جانشینی دارند که به جای آنان هدایت امت را بر عهده

می‌گیرد. در حالی که چنین وضعیتی در مورد امام زمان علیه‌السلام وجود ندارد. از این روست که استتار و غیبت این امام بر خلاف پدراننش واجب و لازم است (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۳۳۰).

۶-۶. فصل ششم: سفیران و نواب اربعه در غیبت صغرا

این فصل از کتاب الغیبه به یاد آوری قسمتی از گزارش‌های مربوط به سفیران و نایبان چهار گانه امام نقل می‌کند و نقل روایت‌ها درباره احوال و اوصاف ایشان می‌پردازد (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۳۵۳-۲۹۶).

با پایان یافتن شرح حال نایبان خاص، شیخ طوسی نکوهش شدگانی که ادعای بایبیت و سفارت از جانب امام زمان علیه‌السلام داشتند را نیز یاد می‌کند: ابو محمد شریعی، محمد بن نصیر نمیری. احمد بن هلال کرخی، محمد بن علی بن بلال، حسین بن منصور حلاج، محمد بن علی شلمغانی. معروف به ابن ابی عزافر، ابوبکر بغدادی برادر زاده محمد بن عثمان عمری و ابودلف محمد بن مظفر کاتب، از جمله این مذمت شدگان هستند که شیخ به نقل روایت‌ها و گزارش‌هایی در مذمت ایشان می‌پردازد (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۳۹۷-۴۱۴).

البته در این فصل، برخی گزارش‌ها و روایت‌ها در مورد خادمان و سفیران سایر امامان را در دو بخش ستایش شدگان و نکوهش شدگان را نیز نقل می‌کند:

الف. حمران بن اعین، مفضل بن عمر، معلی بن خنیس، نصر بن قاموس لخمی، عبد الله بن جندب بجلی، صفوان بن یحیی، محمد بن سنان، زکریا بن آدم، سعد بن سعد، عبد العزیز بن مهتدی قمی اشعری، علی بن مهزیار اهوازی، ایوب بن نوح بن دراج، علی بن جعفر همّانی، ابوعلی بن راشد، گروهی هستند که از سوی امامان علیهم‌السلام مورد ستایش قرار گرفته‌اند (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۳۴۶-۳۵۱).

ب. صالح بن محمد بن سهل همدانی، علی بن ابی حمزه بطائنی، زیاد بن مروان قندی، عثمان بن عیسی رواسی، فارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی، احمد بن هلال عبرتایی و محمد بن علی بن بلال از جمله کسانی هستند که در روایات، مذمت و نکوهش شده‌اند (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۳۵۱-۳۵۳).

۶-۷. فصل هفتم: طول عمر امام زمان و معرفی نشانه‌های ظهور

در این فصل، درباره چند موضوع از جمله عمر امام زمان علیه‌السلام بحث می‌شود. شیخ، جوانی حضرت در هنگام ظهور را با طول عمر امام، منافی نمی‌داند و خلاصه و جان کلام شیخ چنین است:

«قد بینا بالأخبار الصحیحة بأن مولد صاحب الزمان (ع) كان فی سنه ست و خمسين و مائتين و أن أباه (ع) مات فی سنه ستین فکان له حینئذ أربع سنین فیکون عمره إلی حین خروجه ما یقتضیه الحساب و لا ینافی ذلك الأخبار التي رویت فی مقدار سنه مختلفه الألفاظ. نحو ما روی عن أبی جعفر أنه قال لیس صاحب هذا الأمر [من جاز من أربعین] صاحب هذا الأمر القوی المشمر. و ما أشبه ذلك من الأخبار التي وردت مختلفه الألفاظ متباینه المعانی، فالوجه فیها إن صحت أن نقول إنه یظهر فی صورته شاب من أبناء أربعین سنه أو ما جانشه لا أنه ینكون عمره كذلك لتسلم الأخبار» (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۴۱۹).

با روایت‌های صحیح روشن کردیم که ولادت صاحب زمان علیه‌السلام در سال ۲۵۶ بوده است و پدرش علیه‌السلام در سال ۲۶۰ از دنیا رفته است. بنابر این، برای امام علیه‌السلام در این هنگام، چهار سال بوده است و عمر حضرت تا زمان خروجش به اندازه‌ای است که حساب، اقتضا می‌کند. و این امر با روایت‌هایی که در اندازه سن حضرت با الفاظ مختلف روایت شده است ناسازگاری ندارد؛ مانند آنچه امام باقر علیه‌السلام نقل است که فرمود: صاحب این امر کسی نیست که از چهل سالگی گذشته باشد؛ صاحب این امر قوی و مصمم است و شبیه آن از روایت‌هایی که با الفاظ مختلف و معانی متفاوت نقل شده است. بنابراین، وجه این روایات — اگر صحیح باشند — این است که بگوییم: امام علیه‌السلام در سیمای جوانی چهل ساله ظهور خواهد کرد، نه این که عمرش این مقدار خواهد بود.

شیخ آن‌گاه سخن خود را با چند روایت معتبر تأیید می‌کند. شیخ در ادامه به تأویل روایاتی می‌پردازد که می‌گوید: صاحب زمان می‌میرد. آن‌گاه زنده می‌شود. یا می‌گوید: صاحب زمان گذشته می‌شود. سپس زنده می‌گردد. به اعتقاد شیخ، تأویل این روایات آن است که ذکر و یاد امام زمان علیه‌السلام می‌میرد و بیشتر مردم گمان می‌کنند استخوان‌هایش پوسیده است. در این هنگام خداوند او را آشکار می‌کند و این تأویل در صورت صحت روایاتش باید انجام شود. چرا که مقتضای معارضه و ناهمخوانی روایات معتبر با آن‌ها چنین چیزی است (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۴۲۳).

سومین بحث مهم در این فصل. بحث درباره علامت‌هایی است که پیش از خروج امام علیه‌السلام به وقوع می‌پیوندد. شیخ بدون هیچ سخنی به نقل روایات مربوط به این موضوع می‌پردازد و شصت روایت را که در سند بیشتر آن‌ها فضل بن شاذان نیشابوری حضور دارد نقل می‌کند (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۴۳۳-۴۶۶).

آخرین فصل کتاب الغیبه شیخ طوسی نیز به نقل روایت‌هایی اختصاص دارد که درباره صفات حضرت مهدی علیه‌السلام، منزل‌ها و سیره آن حضرت گفت و گو می‌کند (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۴۶۷-۴۷۹).

۷. حدیث‌پژوهی در الغیبه شیخ طوسی

۱-۷. ویژگی‌های سندگذاری در الغیبه شیخ طوسی

۱-۱-۷. مشیخه شیخ طوسی، حلقه اتصال سند در الغیبه شیخ طوسی

روش شیخ طوسی در کتاب‌های روایی مشهورش مانند: تهذیب الاحکام و الاستبصار این است که در گزارش سند روایات مذکور در آن‌ها. هماهنگ و همانند هم عمل نمی‌کند. در مواردی به حذف اوایل سند و آغاز آن به نام یکی از مؤلفان روایی که تألیفش را در اختیار داشته است. اقدام می‌کند و در مواردی دیگر بدون هیچ حذفی به نقل تمام سند از اساتید و مشایخ بدون واسطه خود گرفته تا معصوم می‌پردازد. این گوناگونی سندگذاری در کتاب الغیبه نیز به وضوح مشاهده می‌شود.

اما به لطف منابع رجالی و سندشناسی متعددی که از شیخ طوسی در دست داریم — همچون مشیخه تهذیب الاحکام. مشیخه الاستبصار. کتاب الفهرست و نیز اجازات روایی فراوانی که گزارش تفصیلی آن‌ها در کتاب الاجازات بحارالانوار علامه مجلسی و وسائل الشیعه شیخ حر عاملی وجود دارد — راه‌های متعدد روایی شیخ طوسی به روایات پیشینیان. قابل کشف و شناسایی است.

زیرا شیوه شیخ طوسی در تهذیب و استبصار این بوده که در «مشیخه» آن دو کتاب روایی طریق‌های کامل خود را به آنان که با واسطه به نقل روایاتشان پرداخته‌اند یاد کند. انضمام طریق‌های مذکور در آن دو مشیخه به طریق‌های شیخ به راویان و روایات پیشینیان که در جای جای کتاب الفهرست او نیز

وجود دارد. فهرست کاملی از طریق‌های بدون نقصان شیخ طوسی به دست می‌دهد که در سایر کتب وی از جمله بررسی‌های سند روایات کتاب الغیبه نیز سودمند خواهد بود. با توجه به آنچه اشاره شد برای تکمیل سند روایاتی که از سوی شیخ طوسی به نحو ناقص سند گزارشی شده، لازم است با مراجعه به کتاب‌های یاد شده، طریق شیخ به اصول و مصنفات روایی پیشینیان را به دست آورد و با انضمام این طریق‌ها به سندهای مذکور، به سند کامل هر روایت دست یافت.

۲-۱-۷. ذکر طرق تحمل حدیث

تحمل حدیث که به معنای یادگیری و دریافت حدیث است از راه‌های مختلف انجام می‌شود که این راه‌ها از ارزش و اعتبار یکسانی برخوردار نیستند. آنچه از دقت در سند روایات کتاب الغیبه شیخ طوسی به دست می‌آید این است که شیخ طوسی در گزارش روایات این کتاب غالباً از روش سماع و بندرت از روش ارسال و فقط در یک مورد از و جاده استفاده نموده است.

۳-۱-۷. سماع، عالی‌ترین راه تحمل حدیث

آنچه از دقت در سند روایات کتاب الغیبه شیخ طوسی به دست می‌آید این است که شیخ طوسی در گزارش روایات این کتاب از عالی‌ترین راه‌های تحمل حدیث. سماع حدیث (ر.ک؛ مامقانی، ۱۴۱۱، ج ۳: ۷۴). بهره برده است؛ توضیح اینکه: به جز یک حدیث که شیخ طوسی از طریق و جاده در الغیبه نقل کرده است (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۱۲۶) و به جز روایاتی که در سند آن‌ها ارسال وجود دارد. شیخ طوسی تمامی روایات دیگر را از راه شنیدن از اساتید خود که به آن «سماع» می‌گویند، نقل کرده است؛ راهی که بنابر نظر مولفین کتب علوم حدیث (ر.ک؛ شهید ثانی، ۱۴۱۸: ۲۳۴) مطمئن‌تر از آن در تحمل و دریافت حدیث وجود ندارد.

۴-۱-۷. احتجاج و استناد به احادیث اهل سنت

در میان صدها روایتی که در کتاب الغیبه گزارش شده و سند آن از راویان شیعه مذهب شکل گرفته است. روایاتی نیز در لابه‌لای برخی مطالب دیده می‌شود که از راویان اهل سنت نقل گردیده و از

روایات اهل سنت به حساب می‌آید. به یقین، این روایات را شیخ از آن جهت گزارش کرده است که هماهنگی سنّیان با شیعیان را در برخی آموزه‌های مهدویت نشان دهد از جمله در جایی می‌نویسد:

«و مما يدل على إمامة صاحب الزمان ابن الحسن بن علي بن محمد بن الرضا و صحته غيبته ما رواه الطائفتان المختلفتان و الفرقان المتباينتان العامة و الإمامية و أن الأئمة بعد النبي اثنا عشر لا يزيدون و لا ينقصون و إذا ثبت ذلك فكل من قال بذلك قطع على الأئمة الاثني عشر الذين نذهب إلى إمامتهم و على وجود ابن الحسن و صحته غيبته لأن من خالفهم في شيء من ذلك لا يقصر الإمامة على هذا العدد بل يجوز الزيادة عليها و إذا ثبت بالأخبار التي نذكرها هذا العدد المخصوص ثبت ما أردناه» (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۲۷).

و سپس در پی آن، چندین روایت به طریق اهل سنت در موضوع یاد شده فوق را نقل می‌کند. و نیز در جای دیگر یاد آور می‌شود:

و مما يدل أيضا على إمامة ابن الحسن أنه لا خلاف بين الأمة أنه سيخرج في هذه الأمة مهدى يملأ الأرض قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و جورا و إذا بينا أن ذلك المهدى من ولد الحسين و أفسدنا قول كل من يدعى ذلك من ولد الحسين سوى ابن الحسن ثبت أن المراد به هو و الأخبار المروية في ذلك أكثر من أن تحصي غير أنا نذكر طرفا من ذلك (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۱۷۴).

شیخ طوسی سپس در ادامه به نقل روایات متعددی اهل سنت می‌پردازد تا اختلاف نداشتن امت اسلام را در ظهور امام زمان علیه‌السلام نشان دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، ملقب به «شیخ الطائفة»، فقیه، محدث، مفسر و متکلم نامدار شیعه در قرن پنجم قمری، به عنوان نماینده مکتب بغداد با تأسیس حوزه نجف، مولف آثار گران‌بهای شیعه در حوزه‌های مختلف دینی می‌باشد؛ در کلام و حدیث، کتاب «الغیبه» او - که موضوع این نوشتار است. در شمار مهم‌ترین منابع مهدوی شیعه قرار دارد. شیخ طوسی در این کتاب، با استفاده از دو عنصر عقل و نقل، مسیر جدیدی در غیبت‌نگاری شیعه امامیه گشود. وی از جمله مهم‌ترین موضوعاتی که از دیدگاه باورهای عقلی به آن در کتاب الغیبه نگریسته، لزوم امامت و اثبات غیبت از دیدگاه عقل،

می‌باشد. وی بر خلاف مولفین پیش از خود یعنی النعمانی و شیخ صدوق، گستره بیشتری از مباحث کلامی را نیز بر کتاب خویش افزود و به نوعی کتاب الغیبه شیخ، کتابی جامع در مباحث عقل و نقل در موضوع غیبت امام زمان محسوب می‌شود. شیخ غالب احادیث را از طریق سماع، فرا گرفته که بهترین نوع تحمل حدیث است. شیخ در نگارش کتاب به روش تلفیقی حدیثی کلامی، به اثبات مسائل غیبت امام عصر و لزوم امامت، طول عمر امام مهدی و رد شبهات فرق‌های مدعی مهدویت پرداخته‌است. همچنین نگرش خاص وی به موضوع خبر آحاد در اعتقادات و تدوین مباحث غیبت بر اساس آن نیز نگرشی متفاوت را نسبت دیگر کتب معتبر مهدوی پیش از خود، ترسیم می‌کند از مزایای این کتاب، ذکر احادیث غیر شیعی متواتر به روش احتجاج بر مخالفین شیعه امامیه می‌باشد. نگاه برون دینی شیخ در تدوین کتاب الغیبه با توجه به گونه‌شناسی اندیشه شیعیان در قرن پنجم و نیز پاسخ به شبهات فرقه‌های مهدویت منشعب در عصر امامان. همگی اثری ممتاز از کتاب وی را به نمایش گذاشته است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Mostafa Amiri



<https://orcid.org/0000-0002-5192-7952>

Heydar Ali Rostami



<https://orcid.org/0000-0003-3431-2136>

منابع

- ابن اثیر جزری. (۱۳۸۶ق.). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دار صادر - دار بیروت.
- خوئی، ابوالقاسم. (۱۴۱۰ق.). *معجم رجال الحدیث*. الطبعة الاولى. قم: مرکز نشر آثار شیعه.
- احمدی کچایی، مجید. (۱۳۹۳ش). *تحلیل بسترشنا سانه درباره کتاب الغیبه شیخ طوسی*. فصلنامه پژوهش‌های مهدوی. ش ۱۰..

اسماعیل زاده، عباس. (۱۳۸۵ش). الغیبه شیخ طوسی جامع مباحث عقلی و نقلی در موضوع غیبت. فصلنامه علوم حدیث. ش ۴۰.

براری، محمد. (۱۳۹۵ش). منبع شناسی روایات علائم ظهور در کتاب الغیبه شیخ طوسی. فصلنامه پژوهش های مهدوی. ش ۱۷.

صدر حاج سید جوادی. احمد و همکاران. (۱۳۸۰ش). دایره المعارف تشیع. چاپ چهارم. تهران: نشر شهید سعید محبتی.

حلی، تقی الدین بن داوود. (۱۳۹۲ق.). رجال ابن داوود. نجف: المطبعة الحیدریه.

حلی، حسن بن یوسف حلی. (۱۳۸۱ق.). خلاصه الاقوال. الطبعة الثانية. نجف: المطبعة الحیدریه.

_____. (۱۴۱۲ق.). منتهی المطلب. الطبعة الاولى. مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.

بروجردی، سید علی. (۱۴۱۰ق.). طرائف المقال. الطبعة الاولى. قم: مکتبه آیه الله المرعشی.

بروجردی، سید محمد حسین. (۱۳۸۶ش.). جامع احادیث الشیعه. چاپ اول. تهران: فرهنگ سبز.

جلالی، عباس (مترجم). (۱۳۸۴ش.). خورشید در نهان ترجمه کتاب الغیبه شیخ طوسی. چاپ اول. تهران: مؤسسه تعاون امام خمینی.

ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۱۷ق.). اقبال الاعمال. الطبعة الاولى. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

_____. (۱۴۰۶ق.). فلاح السائل. چاپ اول. قم: بوستان کتاب.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق.). بحار الانوار. الطبعة الثانية. بیروت: مؤسسه الوفاء.

وحید بهبهانی، محمدباقر. (۱۴۲۲ق.). تعلیقه علی منهج المقال. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق.). امل الآمل. قم: دارالکتاب الاسلامی.

_____. (۱۴۱۴ق.). وسائل الشیعه. الطبعة الثانية. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق.). اختیار معرفه الرجال. تحقیق: میرداماد استرآبادی. قم: مؤسسه آل البيت.

_____. (۱۴۰۴ق.). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء اثراث العربی.

_____. (۱۴۱۷ق.). الفهرست. الطبعة الاولى. قم، مؤسسه نشر الفقاهه.

_____. (۱۳۶۴ش.). تهذیب الاحکام. الطبعة الثالثة. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

_____. (۱۴۱۵ق.). رجال الطوسی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

_____ . (۱۴۲۳ق.). کتاب الغیبه. با تصحیح علی اکبر غفاری و بهزاد جعفری. الطبعة الاولى.

تهران: دارالکتب الاسلامیه.

_____ . (۱۴۱۷ق.). کتاب الغیبه. تحقیق: عبادالله طهرانی و علی احمد ناصح. الطبعة الثانية. قم:

مؤسسه المعارف الاسلامیه.

_____ . (۱۳۴۸ش.). اختیار معرفه الرجال (المعروف برجال الکشی). مشهد: دانشگاه مشهد.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۵ش.). الکافی. الطبعة السادسة. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

عاملی، محمد بهاءالدین (شیخ بهایی). مشرق الشمسين. قم: منشورات مکتبه بصیرتی.

داوری، مسلم. (۱۴۲۶ق.). اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق. الطبعة الاولى. قم: مؤسسه المحبین للطباعة و النشر.

حموی، یاقوت بن عبدالله. (۱۳۹۹ق.). معجم البلدان. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

حسینی شیرازی، علیرضا. (۱۳۹۷ش.). اعتبارسنجی احادیث شیعه. چاپ اول. تهران: سمت.

دوانی، علی. (۱۳۶۲ش.). هزاره شیخ طوسی. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.

ری شهری، محمد. (۱۳۹۳ش.). دانشنامه امام مهدی. چاپ اول. قم: دارالحدیث.

شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان. (۱۴۱۳ق.). الفصول العشره فی الغیبه. چاپ اول. تهران: کنگره شیخ مفید.

سید مرتضی، اَبی القاسم علی بن الحسین الموسوی. (۱۴۱۶ق.). المقنع فی الغیبه. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت.

طوسی، خواجه نصیرالدین. (۱۴۱۹ق.). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد. چاپ اول. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

شیرازی، ملاصدرا. (۱۳۶۶ش.). شرح اصول الکافی. چاپ اول. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

صدر، محمدباقر. (۱۹۷۷م.). بحث حول المهدي. چاپ اول. بیروت: دارالتعارف.

سلیمیان، خدامراد. (۱۳۹۶ش.). روش نقد و بررسی روایات مهدویت. چاپ اول. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ

اسلامی.

طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی). (۱۴۰۸ق.). الرعاية فی علم الدراية. چاپ اول. قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی.

مامقانی، عبدالله. (۱۴۱۱ق.). مقباس الهدایه. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت.

نجاشی، نجاشی. (۱۴۱۸ق.). رجال النجاشی. الطبعة السادسة. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷ق.). الغیبه. تحقیق: علی اکبر غفاری. چاپ اول. تهران: صدوق. تهران، صدوق.

References

- Ahmadi Kachaei, Majid (2013). *Contextual analysis about Sheikh Tusi's Al-Ghaibah book*. Mahdavi Research Quarterly. 10. [in Persian]
- Ameli, Muhammad Bahauddin (*Sheikh Baha'i*). Eastern sun Qom: Manshourat Maktaba Basirati. [in Persian]
- Ameli, Zain al-Din bin Ali (second martyr). (1987). *Al-Ra'ee in the science of al-Dara'ee*. First Edition. Qom: School of Ayah Allah Marashi Najafi. [in Arabic]
- Berari, Mohammad. *The sources of narrations of signs of appearance in Sheikh Tusi's Al-Ghaiba book*. Mahdavi Research Quarterly. 17. 2015
- Boroujerdi, Seyyed Ali. (1989). *The sides of the article*. first edition Qom: School of Aye Allah al-Marashi. [in Persian]
- Boroujerdi, Seyyed Mohammad Hossein. (2016). *Shia Ahadith Collection*. First Edition. Tehran: Farhang Sabz. [in Persian]
- Davari, Moslem. (2005). *The principles of human science between theory and application*. first edition Qom: Al-Mohbein Printing and Publishing Foundation. [in Persian]
- Devani, Ali. (1983). *Hazara Sheikh Tusi*. second edition. Tehran: Amir Kabir. [in Persian]
- Hamvi, Yaqut bin Abdullah. (2020). *Al-Baldan dictionary* Beirut: Darahiya al-Trath al-Arabi. [in Arabic]
- Hosseini Shirazi, Alireza. (2017). *Validation of Shia hadiths*. First Edition. Tehran: Samt. [in Persian]
- Harr Aamili, Muhammad bin Hasan. (1983). *hope* Qom: Dar al-Kitab al-Islami. [in Persian]
- _____. (1993). *Al-Shia means*. second edition Qom: Al-Al-Bayt Foundation, peace be upon them. [in Persian]
- Hali, Taghiuddin bin Dawood. (2013). *Rizal Ibn Dawood Najaf: Al-Mattabah Al-Haydariyya*. [in Arabic]
- Hali, Hassan bin Yusuf Hali. (2002). *Summary of words*. second edition Najaf: Al-Mattaba Al-Haydriya. [in Arabic]
- _____. (1991). *ultimate goal first edition Mashhad: Islamic Research Council*. [in Persian]
- Ibn Tавus, Ali Ibn Musa. (1996). *Iqbal al-Amal first edition Beirut: Al-Alami Publishing House*. [in Arabic]
- _____. (1985). *Falah Al-Saqil First Edition*. Qom: Bostan Ketab. [in Persian]
- Ismailzadeh, Abbas (2015). *Absence of Sheikh Tusi, a collection of rational and narrative discussions on the issue of Absence*. Quarterly Journal of Hadith Sciences. No. 40. [in Persian]

- Ibn Athir Jazri. (2007). *Al-Kamal fi al-Tarikh*. Beirut: Dar Sadir - Dar Beirut. [in Arabic]
- Jalali, Abbas (translator). (2014). *Khurshid Dar Nahan - Translation of Sheikh Tusi's Al-Ghaiba book*. First Edition. Tehran: Imam Khomeini Cooperative Institute. [in Persian]
- Kilini, Muhammad bin Yaqub. (1996). *Al-Kafi. The sixth edition*. Tehran: Darul Ketab al-Islamiya. [in Persian]
- Khoi, Abul Qasim. (1989). *The dictionary of Rijal al-Hadith*. first edition Qom: Shia Publication Center. [in Persian]
- Najashi, Najashi. (1997). *Rijal al-Najashi The sixth edition*. Qom: Al-Nashar al-Islami Publishing House. [in Persian]
- Majlesi, Mohammad Bagher. (1982). *Bihar Al-Anwar* second edition Beirut: Al-Wafa Foundation. [in Arabic]
- Mamqani, Abdullah. (1990). *Muqabas al-Hadaye*. First Edition. Qom: Al Al Bayt Foundation. [in Persian]
- Na'mani, Muhammad bin Ibrahim. (2018). *absence Researcher: Ali Akbar Ghafari*. First Edition. Tehran: Sadouq. Sadouq, Tehran. [in Persian]
- Ray Shahri, Mohammad. (2013). *Encyclopaedia of Imam Mahdi*. First Edition. Qom: Dar al-Hadith. [in Persian]
- Sadr Haj Seyyed Javadi. Ahmed et al. (2001). *Encyclopaedia of Shiism*. fourth edition. Tehran: Shahid Saeed Mohebi publication. [in Persian]
- Sheikh Mufid, Muhammad bin Muhammad bin Nu'man. (1992). *Al-Fusul al-Ashrah in al-Ghaibah*. First Edition. Tehran: Sheikh Mufid Congress. [in Persian]
- Seyyed Morteza, Abi al-Qasim Ali bin Al-Hussein Al-Mousawi. (1995). *Al-Muqnaq fi al-Ghaibah*. First Edition. Qom: Al Al Bayt Foundation. [in Persian]
- Shirazi, Mulla Sadra. (1987). *Description of the principles of Al-Kafi*. First Edition. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research. [in Persian]
- Sadr, Mohammad Bagher. (1977). *Debate about al-Mahdi*. First Edition. Beirut: Dar Al-Taarif. [in Arabic]
- Salimian, Khodamorad. (2016). *Method of criticizing Mahdavi traditions*. First Edition. Qom: Islamic Science and Culture Research Institute. [in Persian]
- Tusi, Muhammad bin Hassan. (n.d.). *Al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an*. First Edition. Beirut: Dar al-Haya al-Toras al-Arabi. [in Arabic]
- Tusi, Khwaja Nasiruddin. (1998). *The discovery of meaning in the description of abstraction of belief*. First Edition. Qom: Al-Nashar al-Islami Institute. [in Persian]
- Tusi, Muhammad bin Hassan. (1983). *The authority of men's knowledge*. Researcher: Mirdamad Estrabadi. Qom: Al Al Bayt Foundation.
- _____. (1983). *Al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Haya al-Toras al-Arabi. [in Arabic]

- _____. (1996.). *The list first edition Qom*, Al-Faqaha Publishing House. [in Persian]
- _____. (1985). *Refining the rules*. The third edition. Tehran: Darul Kitab al-Islamiya. [in Persian]
- _____. (1994). *Rizal al-Tusi* Qom: Al-Nashar al-Islami Publishing House. [in Persian]
- _____. (2002). *Al-Ghaibah book*. Edited by Ali Akbar Ghafari and Behzad Jafari. first edition Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. [in Persian]
- _____. (1996). *Al-Ghaibah book. Research: Ebadullah Tehrani and Ali Ahmed Naseh*. second edition Qom: Islamic Encyclopaedia Institute. [in Persian]
- _____. (1969). *The authority of the wise man (known as Barjal al-Kashi)*. Mashhad: University of Mashhad. [in Persian]
- Vahid Behbahani, Mohammad Bagher. (2001). *The suspension of Ali Manhaj Al-Maqal*. First Edition. Qom: Al-Al-Bayt Foundation, peace be upon them. [in Persian]

استناد به این مقاله: امیری، مصطفی؛ رستمی، حیدرعلی (۱۴۰۱). سیر تحول غیبت پژوهی امامیه با تأکید بر روش کلامی شیخ طوسی، پژوهشنامه کلام تطبیقی شیعه دوره ۳، شماره ۵: ۱۷۱-۱۳۹.

DOI: 10.22054/JCST.2023.71890.1107



Biannual Journal of Research in Shi'a Comparative Theology is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.